

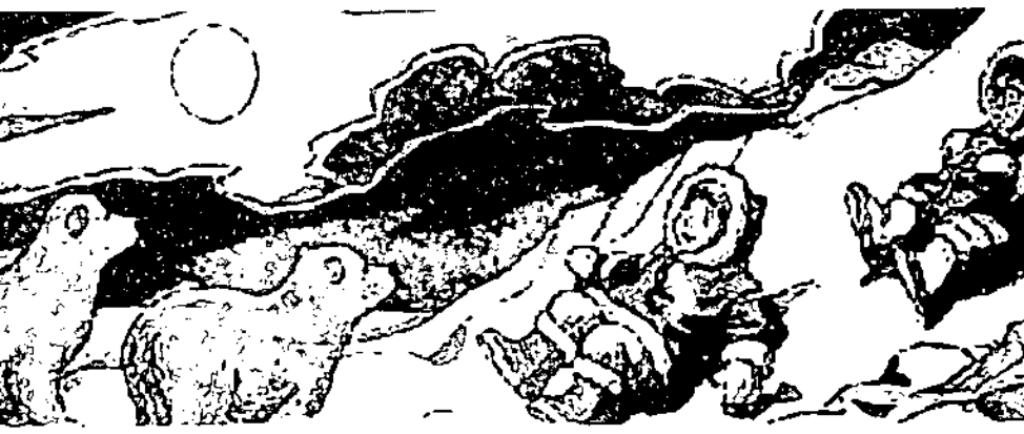
به نام ایزد یکتا

Polar bears past bedtime

خرس های قطبی

نویسنده: مری پوپ آزبرن

مترجم: مریم صالحی





ناشر، آواز اندیشه

تصویرگر: سال موردوکا

نوبت چاپ: سوم ۱۳۸۹

تعداد: ۳۰۰۰

اجرای کامپیوتري: مریم صالحی

شاتک: ۹۰-۲۰-۹۶۴-۹۹۸۱

چاپخانه: امیر نقش

لیتوگرافی: امیر نقش

تلفن: ۰۹۱۲۳۸۸۸۳۹۱۴ - ۰۸۷۳۸

ناشر چاپ: هدما سادات، رضوانیان - محمد رضا زهره

سرشناسه	آذربین، مری، پوپ، ماری
عنوان و نام پدرید آورنده	طرس های قطبی / مری پوپ آذربین . - مترجم مریم صالحی.
مشهدهات نشر	تهران آواز اندیشه ۱۳۸۷
مشهدهات قاهری	۰۰۶۴۳، مشهور.
شمارک	۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۸-۲۰-۹
وضعیت فهرستویسی	غایب.
پادرانشت	عنوان اصلی :
پادرانشت	گروه سنی ج.
موضوع	داستانهای تفیلی .
موضوع	داستانهای ماهواری
شناسه افزوده	اذرگی . سال ۱۹۸۳ - ۳ . تصویرگر .
شناسه افزوده	صالحی مریم ، ۱۳۴۸ . مترجم .
ردی پندی دیوبی	۱۳۸۷ . رخ ۳۴۷۹ . ۱۳۰۱ .
شناسه کتابشناسی ملی	۱۳۹۵ . ۳ .

فهرست

صفحه	عنوان
۶	جدی می گوئید؟
۱۲	صدای زوزه
۱۸	سلام
۲۳	خانه بوفی
۳۰	بازی
۳۶	خرس های پرنده
۴۱	شفق قطبی
۴۵	پاسخ معما
۴۸	یک معمای دیگر
۵۴	کتابدارهای اعظم

فصل ۱

جدی می گوئید؟

حدای عجیبی از بیرون به گوش می رسید. چک پشم هایش را باز کرده دوباره صدرا شنید. بلند شد، پراغ را روشن کرد و عینکش را به پشم زد. بعد پراغ قوه را برداشت و نور آن را از پنهان به بیرون گرفت.

یک چغ سفید روی شافه درختی نشسته بود. چغ دوباره صدرا کرد و پشم های درشت و زردش را به چک دوخت. چک نمی دانست او په می فواهد، آیا اونیز مانند خرگوش پا دراز و آهو که در دو ماهه ای قبلی، چک و آنی را به سمت کلبه درختی سفر آمیز کشانده بودند، علامتی بود؟ باز هم صدرا آمد: « اووووو »

چک به چغ گفت: « یک لحظه صبر کن می روم آنی را صدرا کنم ». آنی همیشه می توانست هدس بزند، حیوانات په می فواهند گلویند. چک به طرف اتاق فواهرش دوید.